



۲۰۱۸/۰۷/۰۸

داکتر حیدر داور

گرگ بر جای چوپان

خواب پریشان

قسمت اول

انتخاب و تهیه: و. ا. نوری

دیشب از فرط پریشانی بسی تا سحر خواب پریشان دیده ام
شرم می دارد زبانه از بیان آنچه در کیش مسلمان دیده ام
مشرک و جانی و ابلیس دنی در لباس دین و ایمان دیده ام
بهر غصب مال اطفال یتیم گرگ را بر جای چوپان دیده ام
ای عجب در خدمت خلق و وطن خویشتن را نیز حیوان دیده ام
در شب تاریک با ریش سفید
پیر مردی ناگهان آمد پدید

پیش رفتم تا که بینم خوبتر کیست این نوری که سوزد همچو نار
دیدم آمد سوی من آن نور نیز با غرور و عز و تمکین و وقار
گفتم ای پیر خرد مقصود چیست؟ پرده بر کش از دل زنگی تار
از فغانم پیر، لب بگشود و گفت کای مسلمان زاده بی ابتکار
من پیام مصطفی (ص) آورده ام بر شما ای مسلمین بی شعار

هاتف پیام آن سرور منم

روح پاک دین پیغمبر منم

